

نقش زنان در بیداری اسلامی

نقش زنان در بیداری اسلامی

سیده منور شایسته خویی

بیداری اسلامی پدیده‌ای عظیم و دو مرحله‌ای است که در مرحله‌ی نخست در پی استیلای استعمار غرب و شرق بر کشورهای مسلمان از نیمه‌ی دوم قرن بیستم با هدف بازگشت به اسلام و فرهنگ آن آغاز گشت؛ اما این مرحله با حاکمیت مزدوران و دست‌نشانده‌های استعمار، سرکوب شد و مرحله‌ی دوم از انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی آغاز گشت و هم‌زمان با استقرار نظام حکومتی اسلامی در ایران، انقلاب‌ها و جنبش‌های اسلامی در سایر کشورهای اسلامی چون کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس، پاکستان، افغانستان و کشورهای شمال آفریقا رخ داد اما متأسفانه با تحریک استعمارگران و به دست حاکمان مزدور و مستبد سرکوب گردید و حاکمان به ستمگری خود ادامه دادند و جمهوری اسلامی ایران تحت فشارها، مشکلات عدیده‌ی سیاسی، اقتصادی و ... از سوی بیگانگان قرار گرفت. اما خوش‌بختانه با رهبری با کفایت بنیان‌گذار آن امام خمینی و پس از آن امام خامنه‌ای در مقابله با استعمار و پیاده کردن قوانین و احکام اسلام ناب محمدی ادامه یافت و توانمندی اسلام را در اداره‌ی عزت‌مند جوامع اسلامی، بلکه بشری، هم پای پیشرفت‌های علم و فن‌آوری ثابت کرد.

این شکوفایی از یک سو و گسترش استبداد و ظلم حاکمان مستبد کشورهای اسلامی از سوی دیگر، باعث آغاز مرحله‌ی دوم بیداری اسلامی در خاورمیانه گشت و چنان که شاهدیم، مزدوران استعمار علی‌رغم حمایت‌های اربابان غربی خود، یکی پس از دیگری به دست مردم خود به جهنم روانه می‌شوند. صدام

آنچه که در این بیداری در پیروی از علمای اسلام دیده‌ها را به سوی خود جلب کرده، حضور گسترده‌ی زنان مسلمان با حجاب برتر اسلامی، در تظاهرات اعتراض آمیز است که شعارهای اسلامی سر می‌دهند و چون مردان مبارز، زندانی یا شهید می‌گردند.

مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان مسلمان تازگی ندارد و به تقلید از زنان غربی و بر مبنای لیبرالیستی صورت نمی‌گیرد، بلکه پیشینه‌ای به قدمت ظهور اسلام داشته و با پیروی از الگوهای زنان مبارز مسلمان و بر مبنای اعتقادی دین مبین اسلام بوده و از معارف ناب کتاب آسمانی جاودان آن، قرآن کریم و سنت نبی اکرم (صلّی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) تغذیه می‌گردد.

احساس مسئولیت زن مسلمان نسبت به اوضاع جامعه و ایفای نقش در اصلاح آن برخاسته از نگرش قرآن کریم به جایگاه زن است.

جایگاه زن در قرآن کریم

الف-همسانی با مرد

1- در آفرینش: از منظر قرآن، زن در آفرینش از نفس واحد خلق شده: «یا أَیُّهَا الذَّاسُّ اتَّقُوا رَبَّ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» (نساء/1) پس همتای مرد است و این همتایی در نحوه‌ی تأثیرگذاری بر جامعه، وحدت شرایط را نیز می‌طلبد که در آیه‌ی 35 سوره‌ی احزاب به آن اشاره شده است: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (احزاب/35).

2- در شرایط تأثیرگذاری: در این آیه مبنای و شرایط تأثیرگذاری مطلوب برای مرد و زن به طور یکسان بیان شده است: تسلیم احکام خدا بودن، ایمان به خدا، عبادت او، راستی در گفتار و کردار، صبر و مقاومت در سختی‌ها، خدا ترسی، مشارکت اقتصادی در رسیدگی به نیازمندان و عمران جامعه، روزه‌داری و احساس هم‌دردی با فقرا، عفت و پاک دامن و یاد و احساس پایدار و پیوسته‌ی حضور خدا.

جالب است که این آیه در پاسخ به توفّع اسماء بنت عمیس از تمجید زنان در قرآن، نازل شد: ابو

علي فضل بن حسن طبرسي در تفسير مجمع البيان نقل کرده است که مقاتل بن حيان گفت: «وقتي اسماء بنت عميس به همراه شوهرش جعفر بن ابیطالب از حبشه بازگشت، نزد زنان رسول خدا رفت و پرسيد: آيا درباره‌ي ما زنان آيه‌اي از قرآن نازل شده است؟ گفتند: نه. اسماء نزد رسول خدا (صلّي الله عليه و اله) رفت و با آهنگ انتقادآمیز گفت: اي رسول خدا! زنان باخته‌ي و ضرر کرده‌ي اند. پيامبر (صلّي الله عليه و اله) فرمود: چرا؟ عرض کرد: زيرا مانند مردان تمجيد نشده‌ي اند». اينجا بود که خداوند اين آيه را نازل کرد (فضل طبرسي، 560/8).

3- در لزوم اصلاح جامعه: از ديگر شرايط همسان زن و مرد همکاري در سازندگي جامعه از طريق فريضه‌ي امر به معروف و نهی از منکر است که بر دوش هر دو جنس نهاده شده و از شاخصه‌هاي ايماني آنان به شمار آمده است: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْتُوا بِلَا مَعْزُوفٍ وَلَا يَنْتَهِيُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (توبه/71).

اين فريضه عامل سازنده‌ي افراد جامعه و بزرگترين قيام ها و تحولات سياسي و اجتماعي در طول تاريخ اسلام بوده است. به موجب اين فريضه، زن موطّف است که نقش تربيت و اصلاح جامعه را داشته باشد.

ب- محور تربيت

اصولاً از نگاه قرآن زن نقش محوري را در تربيت افراد خانواده و در نتيجه جامعه دارد. اگر خداوند قوام اجتماعي و اقتصادي جامعه را بر عهده‌ي مرد نهاده است، قوام تربيتي آن را بر دوش زن گذاشته زيرا زن کانون عاطفه در عالم هستي است.

قرآن کریم از زناني نام مي‌برد که در جايگاه محوري مهندسي ايماني و اخلاقي جامعه‌ي بشري قرار گرفته‌ي اند: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِّنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِّنَ الظُّلُمِينَ . وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِن رُّوحِنَا وَ صَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُتِبَ لَهَا وَ كَانَتْ مِنَ الْإِقْبَانِ» (تحریم/11-12).

ج- توانمندی در مدیریت کلان سياسي

زن از توانمندی اداري سياسي جوامع بزرگ و کشورداري نیز برخوردار است. قرآن کریم براي نمونه از بلقيس ملکه‌ي سبا نام مي‌برد که با ايمان خود به سليمان نبي، نمونه‌ي مدیریت سياسي برتر گشت.

زنی که به جای مقابله با رهبر الهی با اقدام و تصمیم صحیح به او ایمان آورد و خود و کشورش را از هلاک دنیوی و اخروی نجات داد (نمل/19-44).

- زن در سیره‌ی بزرگان صدر اسلام

نقش کلیدی زن در زمینه‌های تربیتی، عاطفی، حراست از فضای سیاسی و اجتماعی در سیره‌ی زنان بزرگ صدر اسلام کاملاً مشهود است. برای نمونه می‌توان از حضرت خدیجه (علیها السلام) همسر نبی اکرم (صلی الله علیه و اله) نام برد.

ام‌المؤمنین خدیجه با حمایت‌های مالی، عاطفی، سیاسی و از همه مهم‌تر ایمانی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) کلنگ جامعه اسلامی را در حجاز زد و با تولد فاطمه (علیها السلام) ادامه‌ی دودمان پاک و راه نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و اله) را تضمین کرد. زنی که سوره‌ی ضحی در شأن او نازل شد «و وجدک عائلاً فأغنی» (ضحی/7) و خدا با ثروت خدیجه، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) را برای کمک به نیازمندان و پیشبرد اسلام بی‌نیاز کرد (مغنیه، ج7، ص579).

فاطمه (علیها السلام) که از نظر عاطفی چون مادری مهربان به مراقبت و حمایت رسول خدا (صلی الله علیه و اله) همّت گماشت و مفتخر به کنیه‌ی "امّ ابیها" از سوی حضرت ختمی مرتبت شد. زنی که در کنار رادمرد جهان علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) تا حد ایثار دیگران حتّی اسیر کافر، بر خود پیش رفت و سوره‌ی دهر در شأن او و خانواده‌اش نازل شد: «و یطعمهم من الطّعام علّی حُبّیه مسکیناً و یتیمّاً و اسیراً...». (انسان/8)

فاطمه (علیها السلام) به اعتقاد همه‌ی فرق مسلمین برترین زن عالم است که روایات متواتر نبوی بر سیادت او در دنیا و آخرت دلالت دارد و آخرین سخن و مژده‌ی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) به او همین مقام بود: «یا فاطمه، أنت سیده النساء العالمین من الاولین و آخرین» (محمدباقر مجلسی، ج37، ص68).

زنان صحابی بسیاری نیز در تحکیم جامعه‌ی صدر اسلام نقش‌های مهمی ایفا کردند چون: سمیه نخستین شهیده‌ی اسلام، نسیه، اسماء، امّ سلمه که در عقل و فرزانیگی زیانزد عموم مسلمانان است، فضّه، امّ ایمن، جویره، صفیه دختر عبدالمطلب، جرهمه و... (ر.ک: اعلام النساء المؤمنات).

1- پیشگیری از انحراف سیاسی جامعه‌ی مسلمین

فاطمه سرور زنان جهان (علیها السلام) نخستین کسی بود که اقدام به حراست از سیاست عدالت گستر اسلام کرد و ماندگارترین نقش سیاسی خود را با خطبه‌ی فدک ایفا کرد، چندین تن از راویان و مورخان مسلمان از جمله سید مرتضی این خطبه را با سندی از عایشه نقل کرده است. فاطمه (علیها السلام) پس از غصب فدک نه تنها به منظور بازستاندن حق خود بلکه با هدف دفاع از خط مشی سیاسی اسلام و پیشگیری از انحراف سیاسی جامعه‌ی مسلمین و بیان مبانی اعتقادی و توحیدی نظام سیاسی اسلام، به ایراد خطبه پرداخت و در عین محجوبیت و وقار در مسجد و در جمع زنان و مردان صحابه حضور یافت و با نصب حجابی میان خود و مردان، خطبه‌اش را با بیان اصول اعتقادی اسلام: توحید، نبوت و امامت آغاز کرد. سپس به بیان فلسفه‌ی احکام و اخلاق پرداخت، در ادامه اشاره‌ای به تاریخ اسلام نوپا و نقش علی (علیه السلام) در دفاع از آن کرد، آن‌گاه با سخنان غریبی به بیداری مسلمانان و انتقاد از سکوت آنان در برابر انحرافات پیش آمده اقدام و توابع این سکوت را پیش بینی کرد (ابن ابی الحدید، ج4، ص93 به بعد؛ احمد طبرسی، ج1، ص131-149؛ مسعودی، ج2؛ ابن طیفور، ص23 و ...).

فاطمه (علیها السلام) و علی (علیه السلام) با تربیت حسین و زینب (علیها السلام) بر اساس آموزه‌های قرآن و سنت نبوی، رادمردان و شیرزنان تاریخ‌سازی را به جامعه‌ی بشریت تقدیم کرد.

این حسین (علیه السلام) فرزند فاطمه (علیها السلام) بود که با قیام عاشورا درس آزادگی به جامعه‌ی بشریت داد و با شهادت خود دین محمد (صلی الله علیه و آله) را زنده و پایدار نگاه داشت: «إن کان دین محمد لم یستقم إلا بقتلی فیا سیوف خذینی» (ر.ک: کلمات الحسین) و زینب (علیها السلام) پس از شهادت برادر مظلومش پیام رسان این بیداری بود.

قیام های علویان و فاطمیان در طول تاریخ اسلام همه الهام گرفته از شجاعت و بیداری مادرشان فاطمه سرور زنان جهان بوده است (ر.ک: مقاتل الطالبین).

حیات فاطمه (علیها السلام) بیانگر نقش زن در تربیت نسلی آگاه، مبارز و مقاوم در جهت برقراری نظام جهانی و عدالت گستر اسلام است و قیام منجی عالم بشریت مهدی موعود (عجل الله فرجه الشریف) با تأسی به آن بزرگ زن جهان اسلام است: «فی این رسول الله لی أسو» (طوسی، ص286).

2- شناساندن امامت و رهبری

زن صحابی طویل العمری که در حراست از امامت و رهبری بر حق جامعه اسلامی نقش بارزی داشت حبابه

والیه بود. وی همواره جویای امام معصوم و برحق بود و در این هدف همواره موفق ماند تا این که در زمان امام رضا (علیه السلام) با معرفت به حضرت از دنیا رفت و حضرت با لباس خود او را کفن کرد (محمد حسون، 292).

بدیهی است که حبابه گوهر معرفت خود را از طالبان حق دریغ نمی کرد و در شناساندن رهبر شایسته به جامعه کوشش می نمود.

3- مبارزه با استعمار

روند بیدارگری زنان مسلمان در طول تاریخ پرفراز و نشیب اسلام ادامه یافت تا به دوران استعمار غرب رسید. در این زمان نیز تاریخ اسلام شاهد زنان مبارزی بود که محرک مردان در مبارزه با استعمارگران بودند. برای مثال می توان از زنان ایران، عراق، لیبی، الجزایر، اندونزی و ... نام برد.

این خاطره در اذهان مردم عراق ثبت است که در دوره ی نخست مبارزه با اشغالگران انگلیسی، مردان از مبارزه خسته و ناامید شدند، و فرنگیان به طغیان و سلطه ی خود ادامه می دادند؛ جمعی از زنان در مجلس مردان حاضر شده و با اشعار حماسی غیرت دینی آنان را تحریک کردند:

شال های ما را بگیرید و چفیه هایتان را بدهید
آیا نمی بینید که فرنگیان با ما
چه کردند؟!

موضع زنان ایران حتی در دربار شاه قاجار در حمایت از فتوای تاریخی میرزای شیرازی و تحریم تنباکو در مخالفت با قرار داد ننگین رژی که سیطره ی اقتصادی استعمار را موجب می شد (مراد علی توانا، 110) و نیز قیام و تحصن زنان در مسجد گوهرشاد مشهد در مخالفت با کشف حجاب که جمعی از آنان در این واقعه به شهادت رسیدند (ر.ک: رسول جعفریان).

زنان مسلمان ایران هم پای مردان و با اطاعت از ولایت فقیه در همه ی میدان های فرهنگی و مبارزاتی و سازندگی به فعالیت خود ادامه دادند تا به تشکیل نظام اسلامی به رهبری امام خمینی نایل گردیدند و برترین الگو برای زنان مسلمان عصر حاضر شدند، البته استقامت شرط تداوم این افتخار و عزت است.

در لیبی حضور چشمگیر زنان در حمایت از عمر مختار و مبارزه با استعمارگری ایتالیا از افتخارات تاریخی این کشور است (ر.ک: تاریخ لیبی).

در اندونزی نیز زنان مسلمان حضور چشمگیری در نهضت‌های فرهنگی و اجتماعی کشورشان داشتند. و با کمک مردان و پیروی از رهبران مذهبی اصلاح طلبی چون: شیخ احمد خطیب، شیخ محمد طاهر جلال الدین، شیخ محمد جمیل جمبک، حاجی عبدالکریم امر ا [(حاجی رسول) و حاجی عبدا [احمد و ... به مبارزه با استعمارگران هلندی و احیای تفکر اسلامی پرداختند (دلپار نوئر، صص 46-54).

و در مصر ، در یمن، در بحرین... .

4- تأسیس جمعیت‌ها و تشکّل‌های زنان

تشکیل جمعیت‌ها و اتحادیه‌ها، احزاب و سازمان‌های اسلامی زنان در کشورهای اسلامی نمادی دیگر از فعالیت بیدار [سازی آنان است ؛ گرچه از نظر ساختار پدیده‌ای جدید به شمار می‌آید اما از نظر نهادی به قدمت تاریخ اسلام است. جلسات مذهبی خانگی، مکتب خانه‌ها، مجالس حزن و سرور یاد نبی اکرم (صلّی ا [علیه و اله) و اهل بیت او (علیهم‌السلام) در واقع مراکز تجمع همراه با انسی برای زنان بودند که در مکتب سیاسی شیعه نمود بیشتری دارد. مادران شیعه تنها در این مجالس به ویژه سوگواری سالار شهیدان ابی عبدا [الحسین (علیه‌السلام)، فاطمیه و ... توانسته‌اند درس مبارزه و شهادت را به پسرانشان بدهند و بزرگ مردانی چون امام خمینی (رحمه‌ا [علیه) را به جامعه اسلامی حاضر تقدیم کنند.

تشکّل‌ها با ساختار جدید در ایران و در سایر کشورها نیز مشهود است از جمله عراق، حجاز و نجد، بحرین، یمن، اندونزی و ... برای مثال سازمان اسلامی فاطیما در اندونزی، یایاسن، با هدف گسترش تعالیم اهل بیت (علیهم‌السلام) در میان امّت اسلامی تأسیس شد و توسط دانشجویان رهبری می‌شود و تاکنون آثار فرهنگی‌ای چون: شرح ادعیه‌ای اهل بیت (ع)، ارائه خدمات آموزشی، کتابخانه‌ای و در این خصوص ارائه کرده است (زهره پیشگاهی‌فر، ص 273).

سازمان نهضت زنان مسلمان در ایران و پیش از انقلاب اسلامی، بنات الهدی در عراق و ...

5- مشارکت در تظاهرات علیه استبداد داخلی

همان طور که در مقدّمه بیان شد استعمار غرب با جانشین کردن مزدوران داخلی خود و ترویج فرهنگ ملی‌گرایی و پان عربیسم به تحکیم حکومت نامشروع و مستبدانه آنان پرداخت و چندین دهه به واسطه‌ای آنان به حاکمیت خود بر کشورهای اسلامی ادامه داد. و با تحمیل خواسته‌های استکبار جویانه خود چون

کاپیتولاسیون، سلطه‌ی اقتصادی، تهاجم فرهنگی، و... تلاش در تحقیر و استثمار ملّت‌های مسلمان کرد. این جا بود که علمای اسلام بار دیگر به اعتراض و قیام اقدام کردند و زنان دوشادوش مردان در این قیام‌ها مشارکت جستند.

این بار استکبار جهانی، با شگرد جدید جهانی سازی، نظم نوین جهانی، دهکده‌ی جهانی و ... از طریق تحمیل کنوانسیون‌های بین‌المللی چون حقوق بشر، حقوق کودک، رفع تبعیض از زنان و ... به جنگ نرم ضدّ فرهنگ اسلامی و در مواردی جنگ سخت و اشغالگری مجدّد کشورهای مسلمان پرداخت. این عمل‌کردهای شیطان‌ی باعث فاصله‌گرفتن جوامع مسلمان از فرهنگ اصیل اسلامی، رواج تبعیض و فساد، فقر روزافزون و مشکلات بی‌شمار دیگری شد.

ملّت‌های تحت سلطه تنها راه نجات را بازگشت به اسلام ناب دیده‌اند و این ادّعا از شعارها، خواسته‌ها، شکل حضور سراسری و ... آنها پیداست.

برای نمونه کلام صریح چند تن از این زنان را نقل می‌کنیم:

غادّه الغربی از مبارزان تونس درباره‌ی هدف از قیام گفت: «قیام اخیر ما نتیجه‌ی ستم‌هایی است که حکّام سابق تونس به ملّت روا می‌داشتند... دین اسلام به نحو احسن زن را تکریم کرد امّا انسان از تعالیم دینی خارج شد و در نتیجه‌ی این خروج، ما وارد صحنه‌ی سیاسی و اجتماعی شدیم تا نقش واقعی زن را نشان دهیم» (www.bornanews.com)

آیات القرّمزی زن بیست ساله بحرینی با اشعار حماسی خود ضد آل خلیفه نه تنها زنان بلکه مردان را به مبارزه دعوت کرد: «ما مردمانی هستیم که ذلّت و بدبختی را از بین خواهیم برد و...» (همان).

هر کسی که اندک آشنایی با الفبای فرهنگ اسلامی داشته باشد در می‌یابد که این مطالبات همان اهداف پیامبران الهی در رسالت الهی‌شان برای جوامع بشری است. قرآن می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» (حدید/25) و در آییه‌ی دیگر می‌فرمایند: «...وَلِلَّاهِ الْعِزَّةُ وَلِلرَّسُولِ وَلِلَّذِينَ آمَنُوا مِن بَيْنِ يَدَيْهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا بَعْدَ بَنِي إِدْرِمَ...» (اسرا/70) و آیات بسیار دیگر.

البتّه این مشارکت به بهای جان و حیثیت زنان تمام شده زیرا بسیاری از زنان در کشورهای در حال جنبش‌زدانی، شهید و در مواردی مورد هتک حرمت قرار گرفته‌اند که روزنامه‌ها و سایت‌های خبری مملو از گزارش چنین حوادثی است.

مهمترین نقشی که زنان مسلمان در بیدارگری داشته‌اند نقش تربیتی در دو حوزه‌ی ذیل بوده است:

1. ارائه‌ی الگویی مهذب و آگاه از خود به عنوان زن کامل مسلمان و انسانی مبارز و آزاد؛

2. تربیت فرزندان پاک، آگاه، مبارز و تشویق همسران به مبارزه.

امام خمینی (رحمه‌الله علیه) درباره‌ی نقش اوّل فرمودند: «زن با تربیت صحیح خودش انسان درست می‌کند و با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می‌کند» (صحیفه‌ی نور، ج8، ص162).

ایشان بر الگو بودن زنان ایران حتّی برای مردان در مبارزه بارها تأکید فرمودند: «شما بانوان اثبات کردید که مقدّم بر مردها هستید، مردها از شما الهام گرفتند» (همان، ج5، ص177).

و درباره‌ی نقش دوّم، که نقش انسان سازی است، آن را هم طراز قرآن می‌دانند: «زن ها مردان شجاع را در دامن خود بزرگ می‌کنند. قرآن کریم انسان ساز است و زن ها نیز انسان ساز، وظیفه‌ی زن‌ها انسان سازی است.» (همان، ج11، ص253) ایشان در ادامه، انزوای زنان انسان ساز را عامل انحطاط ملّات ها دانسته‌اند (ر.ک: همان).

در انقلاب‌های فعلی در منطقه شاهدیم که بیداری بحرینی‌ها، مردم قطیف و احساء با حضور زنان آغاز شد.

بحمدالله زن ایرانی در حال حاضر در دو حوزه‌ی خودسازی و جامعه‌پروری الگویی زنان مسلمان منطقه بلکه جهان واقع شده است. مقام معظّم رهبر جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله خامنه‌ای از سال 1363، یعنی 27 سال پیش، این حوادث و نقش را پیش بینی کرده و در جمع خانم‌های ایرانی فرموده بودند: «حرکتی را که زن ایرانی شروع کرده است از دست ندهید. این حرکت برای دنیا یک پیام جدیدی دارد و ولایت جدیدی است و مشخصه‌های آن احساس شخصیت زن است و این اوست که گردآورنده‌ی تاریخ است و می‌تواند در جامعه نقش تعیین کننده داشته باشد». (چهارسال با مردم، ص394).

همچنین زنان توانسته‌اند با ایفای نقش‌های سیاسی، تبلیغی، علمی و ... در بیدارسازی مشارکت جوید که بیان آن‌ها نیاز به فرصت بیشتری دارد.

نکته ای مهم در بیداری!

توجه به این مسأله مهم است که نقش‌ها وسیله‌اند، نه هدف. زیرا چنان که بیان شد هدف از بیدارسازی، حاکمیت فرهنگ و نظام سیاسی اسلام بر جوامع مسلمان است و زنان با توجه به این هدف و بر مبنای روش‌های اسلامی باید نقش خود را ایفا کنند، نه آن که صرفاً در پی احقاق حقوق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بوده و با ترویج فرهنگ غرب و تأیید حاکمان مستبد و تبلیغ مکاتب الحادی، بیشتر تیشه به ریشه‌ی اسلام زنند؛ چنان که متأسفانه شاهد چنین زنانی بوده و هستیم، امّا به دلیل عواقب منفی، از ذکر نامشان خودداری می‌کنیم. با این امید که از حضور اسلامی زنان منطقه درس گرفته و فعالیت‌های خود را سمت و سوی اسلامی دهند.

در پایان به مبانی اعتقادی و روش‌های اسلامی بیدارسازی اشاره می‌کنم:

مبانی اعتقادی و روش‌های بیداری اسلامی

الف) مبانی اعتقادی

1. توحید: اعتقاد به وجود خدا با همه‌ی صفات جلال و جمالش از جمله حاکمیت، ربوبیت، عدالت و ... که از اصول مسلم اسلام است و هر نوع خلل یا شبهه در این اعتقاد یا ایجاد هم‌سازی میان این عقیده و مبانی اومانیسمی شرک و کفر به شمار می‌آید.

بر این اساس در بیداری اسلامی نباید از اهداف و به ویژه مادّه‌ی کنوانسیون حقوق بشر که آزادی عقیده را به رسمیت شناخته و هر عقیده‌ای را محترم می‌شمارد، حمایت کرد.

2. نبوّت: اعتقاد به هدایت آسمانی و نیاز جاودان انسان‌ها به این هدایت و به انسان‌های کاملی که پیام آور آن هستند و اعتقاد به برترین و آخرین پیام آور، حضرت محمد بن عبدالمطلب (ص) و کاملترین پیام یعنی قرآن، اصلی است که هرگونه ملاحظه‌کاری و انکار یا آمیختن آموزه‌های وحیانی با قوانین الحادی (گرچه بین المللی) برخلاف بیداری اسلامی است.

3. امامت: اعتقاد به رهبری دینی و نیاز جامعه‌ی اسلامی، بلکه بشری به رهبری که از سوی خدا تعیین شده و واسطه‌ی فیض رحمت و نعمت اوست اصل دیگری است. این رهبر، انسان کاملی است که از همه شرایط رهبری صحیح: علم، توانمندی، شجاعت، عدالت، پاکی، تقوا و آگاهی از زمان و ... برخوردار است. بنابراین گزینش رهبری که فاقد حتی یک شرط از آن شروط باشد، نه تنها موجب بیداری نیست، بلکه حاکم کردن امام گمراهی است که احیاگر استعمار، استبداد و ستم بوده و ملّت‌ها را راهی دوزخ ابدی می‌سازد.

4. معاد: اعتقاد به حیات مجدد انسان‌ها پس از مرگ و بازخواست و محاسبه‌ی اخروی تک تک افراد انسانی در دادگاه عدل الهی از مسلمات اصول اسلامی است و همه‌ی تلاش‌های انسان‌ها باید در جهت نیل به سعادت اخروی برنامه‌ریزی گردد. بنابراین تفکیک حیات دنیوی از اخروی و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌ها برای این دنیای فانی بدون توجه به آخرت برخلاف بیداری اسلامی است.

ب) روش‌ها

اصول اعتقادی، روش‌های بیداری اسلامی را روشن می‌کند. زنان و مردان بر اساس موازین اسلامی (حجاب، عفت، شعارهای اسلامی و ...) حضور یابند، از علمای پرهیزگار اسلام به ویژه ولی فقیه عادل، عالم و شجاع و .. فرمان‌برداری کنند. از تفرقه و تعصبات قومی، قبیله‌ای، حزبی و .. اجتناب کنند و در نجات جوامع یکدیگر از استبداد، یاور هم باشند؛ چرا که قرآن می‌فرماید: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» (سوره نساء، آیه 75). «شما را چه شده که در راه خدا نمی‌جنگید، در حالی که مردان و زنان و کودکان ناتوان و تحت ستم همانانی که می‌گویند: پروردگارا، ما را از این شهرکی که مردمش ستمگرند بیرون ببر و از نزد خودت سرپرستی برایمان قرار داده و از نزد خودت یآوری برایمان بگذار».

منابع

*قرآن کریم

*سید رضی، نهج البلاغه، شرح ابن ابی الحدید.

www.bornanews.com

ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، بیروت، دارالفکر، 1415ق.

ابو الفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ترجمه محمد جواد فاضل، قم، علمی، 1339ق.

احمد بن ابی طاهر بن طیفور، بلاغات النساء، قم، شریف رضی، بی‌تا.

احمد طبرسی، الاحتجاج، مشهد، نشر مرتضی، 1403ق.

امام خميني، صحيفه‌ي نور

انصاري، كلمات الحسين (ع)، قم.

پيشگاهي فرد، زهرا، جغرافياي مجامع زنان در جهان اسلام، روابط عمومي شوراي فرهنگي - اجتماعي زنان، تهران 1384ش.

تاريخ ليبي، وزارت امور خارجه.

حزب جمهوري اسلامي، چهار سال با مردم، تهران، چ1، 1364ش.

حسين بن مسعودي، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاينده، انتشارات علمي فرهنگي، تهران، 1374ش.

دليار نوئر، نهضت هاي نوين اسلامي در اندونزي، ترجمه‌ي ايرج رزاق، محمدمهدي حيدرپور، به نشر، مشهد، 1370ش.

سيد مرتضي، الشافي.

شيخ طوسي، الغيبه، قم، مؤسسه‌ي معارف اسلامي، 1411ق.

فضل بن حسن طبرسي، مجمع البيان، بيروت، دارالمعرفه، 1408ق.

مؤسسه‌ي تنظيم و نشر آثار امام خميني جا يگاه زن در اندیشه امام خميني، تهران، 1375.

محمد حسون، ام علي مشكور، اعلام نساء المؤمنات، انتشارات بنياد بعثت، تهران، 1370.

محمد باقر مجلسي، بحار الانوار، بيروت، مؤسسه‌ي الوفاء، 1404ق.

محمد قطب، بيداري اسلامي، ترجمه صباح زنگنه، انتشارات اطلاعات، تهران، 1374ش.

مراد علي توانا، زنان شيعه در عصر قاجاريه فصل نامه‌ي بانوان شيعه، ش6 و 7، ايران، زمستان 1374 و بهار 1385ش.

مغنيه، محمد جواد، التفسير الكاشف، قم، دارالكتايب الاسلامي، 1428ق.

